

مردمی در عرصه سیاسی بسته است. این چنین بود که عالم ایرانی اسلامی با تکیه بر ظرفیت های عظیم حکمی و معرفتی خود و با مدد گرفتن از وجه دینی و معنوی هویت خود (که بیشترین فاصله را از شبه مدرنیته و سکولاریسم فرهنگی سیاسی برآمده از آن داشت) و با تکیه بر رهبری نهاد اجتماعی روحانیت (که به علت ساخت هویتی دینی خود به طبع دورترین فاصله را از تجددمآبی سکولار - اومانیستی داشت) و آرمان اسلام انقلابی که طیف انقلابی این نهاد به ترویج آن می پرداخت، علیه صورت بندی شبه مدرنیته و سیطره ظلمانی و ویرانگر و وابستگی آفرین و سکولاریستی آن دست به انقلاب زد تا این سرزمین و مردمان آن را از اسارت در بن بست شبه مدرنیته برهاند. تشیع و روحانیت شیعه در تاریخ ایران نقش آفرینی مهم و تعیین کننده داشته و به تاریخ ایران خدمات ویژه ای کرده است. تشیع چند قرن پس از ورود به ایران به عنصر مهم هویت بخش عالم ایرانی اسلامی، و در دوران صفویه به گفتار هژمونیک وحدت بخش فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ایران تبدیل شد و در قالب تمدن و دولت مقتدر صفوی ضامن حفظ استقلال ایران گردید. پیش از آن، در دوران احتضار ایلخانان مغول، این تشیع بود که قیام پیروزمند ضدسلطه خارجی و استقلال طلبانه را در این سرزمین در هیئت قیام و سپس دولت سرداران رهبری کرد و به پیروزی رساند. قبل تر از آن نیز، اولین پیروزی بزرگ بخشی از ساکنان این سرزمین بر خلافت عباسی از طریق شیعیان آل بویه به دست آمده بود.

آموزه های قدسی تشیع در تاریخ ایران پس از اسلام از یک سو روح بخش و معناآفرین و کانون الهام طیفی از خلاق ترین شاعران و حکیمان و عارفان این مرز و بوم بوده است و از سوی دیگر عنصر محرک و مقوم و بسیج کننده برخی حرکت ها و جنبش های بزرگ اجتماعی و سیاسی عدالت خواه و ضدسلطه و استقلال طلب بوده است.

از یک مقطع به بعد، تشیع به عضو اصلی و مرکزی صورت بندی هویتی عالم ایرانی اسلامی تبدیل شد. عالم ایرانی اسلامی در ظرف تحقق عینی و تاریخی خود در بسیاری موارد از آموزه ها و هویت شیعی فاصله گرفت، اما به هرحال تشیع یکی از کانون های اصلی الهام بخش هویتی این عالم و فرهنگ و ادب و حکمت آن بوده است.

روحانیت شیعه نیز از آن هنگام که به عنوان یک نهاد اجتماعی در تاریخ ایران ظاهر شد، غیر از نقش آفرینی در تبیین مرزهای اعتقادی و فعالیت های ترویجی و فرهنگی و آموزشی، در مقام یک نهاد مؤثر مدنی و در پیوند وثیق با توده های مردم، نقش مؤثری در دفاع از استقلال این مرزوبوم و ترویج و فراگیر کردن عدالت باوری و تحقق عینی آن ایفا کرد.

در بررسی تاریخ ایران نباید فراموش کنیم که چند رویداد مهم این تاریخ با محوریت و پیشتازی روحانیت شیعه و به دست آن رقم خورده است: در تاریخ معاصر ایران (تاریخی که با هجوم استعمار غرب مدرن و ظهور و نفوذ و سیطره تدریجی شبه مدرنیته بر ایران آغاز شد) اولین و یگانه حرکت پیروز استقلال طلبانه که به سرنگونی رژیم دست نشانده و قطع وابستگی سیاسی ایران به بیگانگان منجر می گردد، در هیئت انقلاب اسلامی ایران، با محوریت روحانیت شیعه انجام می شود. همچنین با وجود حضور و فعالیت جریان های رنگارنگ سکولاریستی راست و چپ و لیبرال و سوسیالیست که ادعای آوانگاردیسم سیاسی داشتند و سودای تأسیس جمهوری در سر می پروراندند، باز این روحانیت شیعه بود که تنها «حکومت جمهوری» تاریخ ایران را عینیت بخشید.

در ماجرای مشروطه هم اگرچه روشنفکران لیبرال اغراض دیگری را بر حرکت مردمی سوار کردند، اما این حمایت روحانیت بود که زمینه ساز فعالیت جنبش مردمی و به بار نشستن آن شد و طی آن اصل دوم متمم